

هو الله - ای منادی پیمان نامه‌های آن جناب وصول یافت...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۲۴۴

هو الله

ای منادی پیمان نامه‌های آن جناب وصول یافت ولی عبدالبهاء از نقاهت مزاج و کثرت اشغال فرصتی نیافت که رازی گوید و جواب مقنعی بنگارد. حال چون حضرت افنان سدره مبارک که علیه البهء الأبهی و التّحیة و الثّناء با مسافری وارد و مزاج را بهبودی حاصل فوراً به تحریر این نامه پرداختم و از فضل و موهبت جمال مبارک از برای آن حضرت صبر و سکون و تجلّل آن مشقّت گوناگون خواستم. اگرچه می‌دانم صبوری و شکور، غیوری و جسور با وجود این عون و عنایت و صون و حمایت از حضرت احدیّت می‌طلبم و آن جناب را با سلیل ملیح یقیناً اجازه طواف تربت مقدّسه خواهم داد ولی قدری صبر فرمائید انّ فی کلّ الأمور لحکمة بالغة. حال در عشق‌آباد و حوالی به نهایت محبّت و مهربانی و مدارا و قول لاین به هدایت طالبان پرداز و شمع‌های خاموش برافروز و نفوس میته احیا نما. تجلّل گستاخی طالبان لجوج کن و جادلهم بالتّی هی احسن منظور دار و به هیچ هجوم و اعتسافی از سائر ملل شکست نخور. حکایت بولس و پطرس را به خاطر آر که به هر مجمعی وارد و بعد از تبلیغ کتکی وافر می‌خوردند ولی در نهایت مهربانی و محبّت و مدارا و قول لاین باز صحبت می‌داشتند. حال به احبّای الهی کلّ اعلان نما که با خلق علی‌الخصوص در آن صفحات چنین مجری دارند. از عناد خلق دلتنگ نشوند. از شتم و سبّ فرح و طرب انگیزند و از حدّ و شدّت ناس مسرت یابند و از لعن و طعن مردم سرور در سرّ و علن جویند و اگر تیغ جفا بینند وفا دریغ ننمایند و اگر تلخی زهر دهند حلاوت شهید بخشند. باری اسماء نفوسی که به معاونت مشرق‌الأذکار مرو موفق شده بودند مرقوم نموده بودید. در حقّ جمیع



ORIGINAL



AUDIO

به عتبه مقدّسه عجز و زاری نمودم و عنایت و الطاف نامتناهی خواستم. اما حضرات ثلاث آقا محمد اسمعیل آقا
نجفعلی آقا محمد حسن که اذن حضور خواسته بودند محض شفاعت شما در بهار مأذونند و مکتوبی نظر به
وساطت شما به جناب آقا شیخ محمد نامقی مرقوم شد، در جوف است برسانید و علیک البهَاء الأبی. ع ع